

به مناسبت 25 مین سالگرد جنگ خونین سندج سال 1358 ش.

(نه ورۆزی خویناوی سالی 58)

در سال 1357 ش. برای سرنگونی نظام دیکتاتوری پادشاهی در ایران همه خلقهای ایران، از جمله ملت مبارز کردستان فعالانه در این قیام سراسری شرکت کردند. آنها برای آزادی و برقراری يك حکومت مردمی و عدالتخواهانه، هه زاران شهید در راه این مبارزه قهرمانانه فدا کردند. شاه ستمگر ایران از کشور فرار کرد و پیکرها و مجسمه هاییکه از خود در رضاخان جنایتکار در شهرهای مختلف ایران بنا کرده بود، یکی پس از دیگری بدست نیروهای مبارزی که قیام ایران را به پیش می بردند سرنگون شدند. شاه دیکتاتور در خارج از کشور هم نتوانست در اسایش باشد و سرانجام این جنایتکار و ستمگر بزرگ منطقه بعد از 2 سال سرگردانی، در کشور مصر بدنبال بیماری سرطان روحیه ترسناکش از هم پاشید و بدور از کاخهای بزرگ پادشاهانه اش در گذشت. مردم شهرهای کردستان، که در این انقلاب بزرگ و مبارزه شکوهمند، خیلی فعالانه شرکت نمودند، در ادامه انقلاب و قیام سراسری، ادارات و مراکز نظامی و حکومتی را تسخیر کردند. شوراهای و کمیته های انقلابی که در جریان قیام تشکیل شده بودند، اداره امور مراکز دولتی را به کنترل خود در آوردند. نیروهای دولتی در شهرها و مناطق کردستان، فرار کردند و در واقع حاکمیت مردم مستقر شد و بعد از سالها خفقان و وحشت حکومت پهلوی، مردم برای چند ماهی از این مشام آزادی چشیدند. چند روز بعد از پیروزی انقلاب نیروهای سیاسی کرد اعلام موجودیت کردند و در صحنه کردستان ظاهر گردیدند و از انقلاب خلقهای ایران پشتیبانی نمودند. دولت موقت مهندس بازرگان يك هفته بعد از انقلاب، يك هیات از نمایندگان خود را به سرپرستی د. داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی به شهر مهاباد فرستاد، تا با شخصیتهای برجسته کرد، درباره اوضاع منطقه ملاقات و گفتگو کنند. نمایندگان شوراهای و کمیته های انقلابی شهرهای مختلف کردستان و نیز مسئولان نیروهای سیاسی، در شهر مهاباد اجتماع کردند و آنها مشترکاً خواستهای خلق کرد را در يك قطعنامه مستند 8 ماده ای (مهاباد) در مورد شرایط آن زمان تایید و به نمایندگان حکومت تسلیم کردند.

متن این خواستها در روزنامه های رسمی از جمله روزنامه کیهان شماره 10546 ص. 4 روز سوم اسفندماه 1357 منتشر شده است. داریوش فروهر همچنانکه در روزنامه مذکور آمده است، در حضور نمایندگان کردستان قول می دهد که خواست خود موختاری خلق کرد را در کابینه دولت موقت مطرح می کند و مجدداً گفتگو ادامه می یابد. اما سخنگوی دولت موقت آقای

عباس امیرانتظام اعلام می کند که دولت باتجزیه طلبی مقاومت خواهد کرد ، این در حالی بود که در هیچ کدام از بندهای 8 ماده ای مهاباد این مسئله عنوان نشده است . در بند چهارم این خواستها يك سیستم فدرالیسم به عنوان حقوق خلقهای ایران پیشنهاد شده است . در این شرایط و اوضاع و احوال ، شهرسندج برخلاف بسیاری دیگر از شهرهای کردستان حالت فوق العاده ای داشت . بدین صورت که استادان سندج از اینکه قدرت فرار کرده بود و چندین کمیته و دفاتر تشکلهای گوناگون در داخل شهر مستقر شده بودند ، که بعضا باهمدیگر در کشمکش بودند . در میان نیروهایی که در این شهر در حال فعالیت بودند 4 نیروی عمده را می توان نام برد مانند :

1 - کمیته احمد مفتی زاده مشهور به ستاد انقلاب اسلامی 2 - کمیته صفدری مشهور به کمیته امام 3 - دفتر جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب سندج 4 - ستاد نیروهای دمکراتیک سندج .

احمد مفتی زاده يك شخصیت روحانی کرد به دلیل مبارزاتش در جریان قیام در میان مردم سندج نفوذ داشت . او در استانداری سندج مستقر شده بود و می خواست همه قدرت را از آن خود سازد . البته او به شیوه خودش از حقوق ملت کرد پشتیبانی می کرد . اما انسان عظمت طلبی بود . و بانیه های دیگری توانست سازش و همکاری کند .

صفدری يك اخوند شیعه نالایقی بود ، که از قم به سندج فرستاده شده بود اما او از اوضاع کردستان بی اطلاع و نا آگاه بود در صدد بود که فرمانروای امام امت شود ! او قبلا زجانب آقای مفتی زاده پذیرایی شده بود و در حسینه سندج مستقر گردیده و نیز خود را سرپرست لشکر 28 سندج می دانست .

کمیته 1 و 2 چند هفته بعد از قیام باهم بر سر حاکمیت شهر اختلاف پیدا کردند . کمیته امام که سرپرست آن صفدری بود می خواست برخلاف افکار عمومی و درونی مردم کردستان بر تمام اوضاع شهر تسلط داشته باشد . و کمیته نامبرده در عین حال که باهم دچار تنش شده بودند ، مانع فعالیت نیروهای دیگر ملی و سیاسی می شدند .

3 و 4 جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب و ستاد نیروهای دمکراتیک که از روشنفکران و کارمندان و معلمان و وکلای و نیز نیروهای آزادیخواه و دمکرات ، افرادی را سازمان دهی کرده بودند باهمدیگر همکاری می کردند . اما امکانات آنها ضعیف بوده ، بویژه از نظر تسلیحات که در آن شرایط لازم بود ، مشکلات داشتند . در میان آنها دو شخصیت سرشناس به نامهای صدیق کمانگر و بهروز سلیمانی ، از فعالان سیاسی و ملی کرد بودند ، که برای آزادیهای مردم تلاش می کردند .

اختلافات دو کمیته نامبرده بر سر تقسیم و یا تحویل وسایل امنیتی اوج می گیرد . سرپرست هر دو کمیته سختگیر و جاه طلب هستند . اما ارتش بازمانده شاه و دفتر خمینی تازه به ارک نشسته در قم ،

از نماینده کمیته امام دفاع می کند . در این میان در شهر سنندج شایعاتی وجود دارد که نیروهای حکومتی در صدد تخلیه انبارهای سیلو هستند و سلاحهای پادگان بخاطر عدم امنیت شهر به تهران انتقال می یابد. این مسائل باعث میشود ، بحرانها اوج بگیرد و افراد کمیته ها با هم به مشاجره می افتند . از سوی دیگر شبها در داخل شهر امنیت کامل وجود ندارد و برای مردم نگرانیهایی پیش می آید .

روز 27 . 12 . 1357 شمسی ، نیروهای ستاد انقلاب - کمیته مفتی زاده - مستقرا ستانداری سنندج از کمیته امام برای پاسداری امنیت شهر ، درخواست اسلحه می کنند. اما افراد کمیته صفدری از دادن امکانات به آنها خوداری می کنند . بعد از ظهر امروز عده زیادی از جوانان و بازاریان شهر بازم به آنجا مراجعه می کنند ، امایکی از پاسداران کمیته امام به نام شاطر محمد بجای بررسی خواستهای مردم که بیشتر آنها از همکاران ستاد مفتی زاده بودند ، باخشونت و تعصب کورکورانه برخورد کرده و بسوی مردمی که در آنجا هستند ، تیراندازی می کند که باعث کشته شدن جوانی به نام حمید دلاوری می شود و یکنفر دیگر هم زخمی می گردد این اعمال و برخورد غیر انسانی باعث هرج و مرج در داخل شهر می گردد و بحران اوج می گیرد . این اولین باری بود که بعد از قیام 22 بهمن در کردستان چنین برخورد جنایتی پیش بیاید . شهر شلوغ می شود و مردم بیشتر احساس عدم امنیت می کنند. نیروهای مسلح کمیته امام در اطراف حسینیه سنگر بندی را مستحکمتر می کنند. مردم مبارزو خشمگین سنندج بعد از اتفاق این حادثه می خواهند که شاطر محمد را که در مقابل آنان همشهریانشان را بگلوله بسته است از انتقام بگیرند . مردم شوریده به سوی پادگان ژاندارمری حرکت می کنند و از فرمانده آنجا که خود کردتبار بوده است تقاضای کمک و تحویل اسلحه می کنند تا اینکه خودشان حفاظت شهرشان را بدست بگیرند ، اما فرمانده پادگان از کمک به آنها خوداری می کند. پادگان سنندج هم بسوی مردم بی دفاع تیراندازی کرده و با انواع سلاحهای سنگین مناطق مسکونی شهر را گلوله باران می کند . نیروهای ستاد انقلاب که در استانداری مستقر بودند ، خواستار کمک و پشتیبانی از جانب دفاتر جمعیت دفاع از آزادی انقلاب و ستاد نیروهای دمکراتیک می شوند. يك همبستگی عمومی در سطح شهر بوجود می آید . مردم باز هم به پادگان ژاندارمری مراجعه می کنند. اما فرماندهان پادگان این مسئولیتها را به عهده صفدری می سپارند . مردم فرمانده پادگان را به نام سرهنگ صفری اسیر کرده و سربازان ژاندارمری بدون مقاومت سلاحهای خود را تسلیم می کنند اما لشکر 28 سنندج بسوی مردمی که در آنجا هستند باز هم تیراندازی می کند و جمعیت بیشماری را اسیر می کنند. در این حالت است که شماری از مبارزان و فعالین شهر مرکز رادیو و تلویزیون شهر سنندج را تسخیر کرده و به سازماندهی عمومی مردم می پردازند . در ساعاتهای آخر شب يك شورای موقت انقلاب ، تشکیل می گردد که سخنگوی آن به عهده صدیق کمانگر خواهد بود. شورای موقت شهر سنندج در يك بیانیه از مردم سنندج و منطقه خواستار کمک و پشتیبانی خواهد شد .

تا جایی که به خاطر دارم ، امروز مفتی زاده در داخل شهر سنندج نبوده است . آنچه در یکی از نوشته های روزنامه ای خوانده ام ، در این روزها عده زیادی از رهبران روحانی مناطق کردستان از جمله ماموستا شیخ عزالدین حسینی که در اس مسائل و امور کردستان قرار داشت در شهر سقزا اجتماع داشتند ، بنظرمی رسد که آقای مفتی زاده هم در جلسات آنها شرکت کرده باشد. و خود را از این ماجرا ی سازماندهی شده دور نگه می دارد .

بدین صورت يك جنگ تمام عیار به مدت يك هفته به مردم قهرمان سنندج تحمیل می گردد ، که در تاریخ کردستان ایران به جنگ خونین سنندج - نه روزی خویناوی - مشهور است . این غم انگیزترین جنایتی بود بعد از شکست و عقب نشینی نیروهای بارزانی در سال 1974 م . ، که در آن خلق ما متحمل زیانهای فراوان جانی و مالی شد . صدها نفر کشته و زخمی شدند و در داخل شهر سنندج منازل و اماکن عمومی ویران شدند . انهم از جانب حکومتی که خود را انقلابی می دانست . !! در جریان درگیریهای سنندج شخص خمینی و رئیس ستاد ارتش سرلشکر قرنی که از تهران این جنگ تحمیلی را سرپرستی می کرد ، مردم کردستان را ضد انقلاب و وابسته به بیگانگان خواندند . چه عیب ! چیزی که در حکومت های دیکتاتور و مستبد قبلی هم ، تکرار می شد . چیزی که نمایندگان ان موقع حکومت حالا هم تکرار می کنند . د . احمد حاج سیدجوادی در جزوه ای که در بهار 1382 در داخل ایران بنام " چشم انداز ایران ویژه کردستان " (که حاوی مطالب زیادی درباره شرایط آن سالها می باشد ، خصوصاً عکسهایی که در آن منتشر شده است و این کتاب احتیاج به بررسی دقیق دارد) در صفحه 42 در باره جنگ سنندج چنین می نویسد : " کسانی در کردستان غائله برپا کرده بودند . که مابه ناچار ، چه از طرف آقای خمینی و طالقانی و چه از طرف دولت برای رفع غائله رفته بودیم " . آقای سیدجوادی نمیگوید کدام غائله ، اما با دسترسی به تمام اسناد و مدارکی که در ارتباط با جنگ خونین سنندج وجود دارد ، مسنول این جنایت و رویدادهای سنندج کمیته امام !! خمینی و ارتش به فرماندهی سرلشکر قرنی بوده است . زیرا بعد از پایان گفتگوهای سنندج ، کمیته خمینی و نیز کمیته احمد مفتی زاده منحل می گردند و چند روز بعد قرنی از کار برکنار میشود . و در شهر سنندج برای اولین بار يك شورای انتخابی (11 نفری) مردمی تشکیل می گردد که بمدت 5 ماه اداره امور شهر سنندج و منطقه را ، با وجود همه مشکلاتیکه در پیش داشت ، عهده دار می شود . که تحقیقات در این مورد در این نوشته نمی گنجد و احتیاج به مدارك و اسناد کافی دارد که افرادی ماهر در این باره تلاش نمایند . که متأسفانه درباره این رویداد مهم کردستان تاکنون بررسی لازم صورت نگرفته است .

روز بعد 28 اسفندماه علاوه بر تیراندازی بوسیله خمپاره و سلاحهای سنگین دیگر ، به داخل شهر مسلسلهای هلی کوپترهایی که از کرمانشاه آمده بودند ، مناطق مسکونی شهر را زیر آتش گرفتند و عده بیشماری از مردم جان خود را از دست می دهند و یازخمی می شوند . زخمیها به اندازه ای است که بیمارستان سنندج نمی تواند جوابگوی مداوایشان باشد . شورای موقت انقلاب سنندج

درنامه ای که برای نمایندگان حکومتی در مرکز مینویسد: خواستار قطع فوری این جنگ می شود و کمیته امام را به ادامه این درگیریها متهم می سازد .

با وجود شدت درگیریها ، فعالیت برای پایان این جنگ افزایش می یابد و با وساطت ماموستا شیخ عزالدین حسینی که به سنندج آمده است ، بوسیله نماینده استانداری سنندج ، بادولت موقت بازرگان تماسهایی برقرار می گردد ، که منجر به آتش بس می گردد . در این مدت نیروهایی از جانب شورای موقت سنندج برای جمع آوری اجساد شهیدان در اطراف پادگان بسیج می شوند اما لشکر 28 سنندج آتش بس را رعایت نمی کند و باز هم شهر سنندج را گلوله باران می نماید . با وجود تمام تلاشهای نمایندگان کردستان ، رعایت آتش بس ، بسیار مشکل بود و درگیریها در اطراف پادگان به اوج خود می رسد . بنابه گزارش خبرنگار کیهان روز 29 اسفندماه 1357 هلی کوپترهایی که از کرمانشا به سنندج آمده بودند ، مردم شهر را به گلوله بستند و تعداد زیادی کشته و زخمی شده اند . این روزنامه می افزاید که در اثر پرتاب گلوله خمپاره بداخل شهر چندین خانه ویران و ساکنین آنجا کشته و زخمی شده اند .

و بدین وسیله در اولین بهار آزادی مردم کردستان بجای روشن کردن آتش برفراز کوههای سربه فلک کشیده ، صدای غرش انواع سلاحهای سنگین را در آسمان شهرشان می شنیدند . بنابه درخواست کردها ، هیاتی از نمایندگان دولت به سرپرستی طالقانی به همراهی وزیر کشور به سنندج می آیند و بانمایندگان کردها به گفتگومی پردازند . اما با آمدن نمایندگان دولت از تهران احمدمفتی زاده که تا آن موقع با دیگر نمایندگان کرد و شورای موقت انقلاب سنندج همراهی کرده بود ، برای تصویب يك پروژه مشترك ، همکاری نمی کند و به تنهایی با بهشتی و دیگران ملاقات می کند .

روز دوم فروردین ماه 1358 ، هنگامی که نمایندگان کردستان در حال گفتگو با وزیر کشور و همراهانش بودند ، بدنبال پرواز هواپیماها و جتهای جنگی برفراز شهر سنندج و سکستن دیوار صوتی جلسه مذاکرات به هم می خورد و سید جوادی وزیر کشور طی تلگرامی به سرلشکر قرنی می گوید که پرواز هواپیماها باعث عصبانیت کردها و نگرانی و قطع گفتگوها شده است . اما قرنی در جواب می گوید که او فرمان رهبرانقلاب را اجرایی کند و تا زمانی که متجاوزین سرکوب نشوند از انجام مسئولیت خوداری نمی کند . هنگام پرواز هواپیماهای فانتوم ، هزاران نفر از مردم سنندج در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی می زنند و به نمایندگان دولت که در سنندج هستند اعتراض می کنند . هنگامیکه طالقانی و همراهانش در میدان آزادی شهر در حال سخنرانی بودند ، نیروهای مختلف مردم شعار می دهند یا کردستان و آزادی یامرگ... این اتحاد و همبستگی عمومی خلق ما، در آن شرایط زمانی قابل ستایش و تمجید است که در تاریخ مبارزات ملت کرد برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود ، ثبت شده است . اتحاد و مبارزات خلق مابه سردمدسران حکومتی فهمانید که مردم کردستان زنده و پرشور و انقلابی و ادامه دهنده انقلاب خلقهای ایران

هستند. در جریان جنگ تحمیلی سنندج، ماهیت جنگ افروزی رژیم اخوندی، برای انقلابیون و مبارزان کردستان روشن شد و از همین دوران جنبش ازادخواهانه در کردستان شروع به رشد کرد.

طالقانی که در آن موقع به عنوان يك شخصیت دمکرات قابل احترام بود، در گفتگوهای رهبران درمورد تایید قرارگرفت و او هم در سخنرانی‌ش در میدان سنندج از حقوق خلق کرد که در چارچوب خودمختاری مطرح بود، به ظاهر دفاع کرد. همچنانکه حاج سیدجوادی در کتاب چشم انداز به ان اشاره می کند و هیات دولت هم در پایان مذاکرات با انتشار بیانیه ای در مورد نتایج این دیدارها به شیوه ای رسمی اظهار نظر کرد. در این بیانیه که در روزنامه کیهان روز 06 . 01 . 1358 منتشر شده، آمده است:

- 1- در تدوین قانون اساسی جدید ایران شمانیزشریک و سهمیم خواهید بود و در این قانون حقوق همه مردم ایران از جمله مردم شریف کردستان تامین خواهد شد.
- 2- مردم کردستان برای اشاعه فرهنگ اصیل کردی، ازادی کامل دارند و زبان کردی در کنار زبان فارسی در مناطق کردنشین رسمیت خواهد یافت.
- 3- در کردستان همچون استانهای دیگر امور منطقه با راه داده و انتخاب مردم اداره خواهد شد و هیچ مقام اداری بر آنان تحمیل نخواهد شد.
- 4- به مردم کردستان همه گونه امکان داده می شود تا منابع اقتصادی منطقه را در راه رفاه خود بدون هیچ گونه استثمار بکارگیرند.
- 5- برای مردم کردستان همچون مردم سراسر کشور حق شرکت در سیاست عمومی و تصمیم در سر نوشت مملکت بدون هیچگونه تبعیض رعایت می شود.
- 6- دولت اسلامی مرکزی حمایت بیدریغ اقتصادی و اجتماعی از مردم محروم و مستضعف کردستان را در راس برنامه های خود قرار خواهد داد و در جبران عقب ماندگیهای گذشته آنان خواهد کوشید.
- 7- به ازادی مردم کردستان در استفاده از لباس و انجام سنتهای ویژه کردی خدشه و خللی وارد نخواهد شد.

پنجم فروردین 1358 سنندج هیات اعزامی امام خمینی

در اینجا هدف این نیست که از این طرح نمایندگان دولت در سنندج دفاع کنم. زیرا خواستهایی که در پروژه های خودمختاری نمایندگان کرد به انهاداده شده بود، خیلی جامع تر از این بیانیه هیات دولت بود، اما بر ایمان معلوم خواهد شد که در گفتگوهایی که از جانب هیات نمایندگان کردستان در سنندج در جریان بود، از قاطعیت و پیشرفت مذاکرات حکایت می کند، هرچند که مفتی زاده و هوادارانش کارشکنی می کردند. و از سوی دیگر همبستگی عمومی و پشتیبانی شهرهای دیگر کردستان به سیاستمداران دولت نشان داده بود که بزرگترین مشکلی که حکومت بازرگان با آن روبرو است، مسئله کردستان است. و این اولین باری است بعد از سالها خفقان و سرکوب ملت کرد از جانب

رژیم پادشاهی ایران ، که بحث بر سر حق تعیین سرنوشت خلق ما چه در داخل ایران و کشورهای همسایه ها و چه در خارج از کشور در رسانه های خبری و محافل سیاسی انعکاس می یابد .

در میان کشورهاییکه ، کردها در آن تقسیم شده اند ، جنب و جوش راه می افتد و برای اعتراض به این مسئله به فعالیت می پردازند . بویژه دولت فتنه انگیز تورکیه طبق معمول به مسئله کردها اعتراض می کند و سیاستهای فاشیستی و ضد کردی را در مراسم مهمانی دکتریزدی در تهران به آگاهی آنها می رساند . البته آنها هم از این مواضع دولت اتاتورک تورکیه حمایت می کنند .

علاوه بر این بیانیه رسمی که به آن اشاره شد ، در گفتگوها ، چندین توافق عملی به اجرا در آمد .
1 - آتش بس و پایان جنگ خونین سنندج .

2 - آزادی شمار بسیاری از زندانیان کرد که در پادگان سنندج بودند

3 - منحل کردن دو کمیته احمدمفتی زاده و کمیته امام که صفدری مسئول آن بود ، زیرا آنها مسبب جنگ خونین سنندج معرفی شده بودند .

4 - تشکیل يك کمیته 5 نفری شورای موقت ، برای تدارک و هماهنگی انتخابات شورای 11 نفری شهر که آنها توانستند به شیوه ای دمکراتیک انتخابات را برگزار کنند .

5 - ارائه پروژه های خودمختاری کردستان به هیات اعزامی دولت و خمینی .

6 - تعیین يك استاندار کرد ، هر چند انتصابی بود .

7 - چند روز بعد سر لشکر قرنی رئیس ستاد کل ارتش که سرپرستی این جنگ سنندج را عهده دار بود از کار برکنار شد .

نمایندگان دولت قبل از ترک سنندج ، برای آرام کردن مردم شهر ، امتیازات دیگری را هم قبول کردند یا قایل شدند . اما بعد ها وعده هایشان را عملی نساختند . آنها اجبارا پذیرفتند که شهر بانی وژاندارمری در سنندج منحل شوند . وزیر کشور اینرا صراحتا بیان کرد . کمیته موقت 5 نفری هم با آگاهی از اوضاع شهر در اولین جلسات خود ، يك کمیته نظامی برای پاسداری و نگهداری شهر تشکیل داد ، که گشته ها و نگهبانان نیروهای مختلف در آن سازماندهی شدند .

همچنین کمیته موقت سنندج ، هیاتی هم برای برگزاری انتخابات شهر بوجود آورد . تا اینکه روز 24 فروردین 1358 انتخابات شورای شهر سنندج برگزار گردید و برای اولین بار بعد از سالها مبارزه علیه حکومت های مرکزی و بعد از تلفات سنگین جنگ خونین سنندج ، زمینه چنین انتخاباتی بوجود آمد . همچنانکه در بالا اشاره شد بمدت 5 ماه ، اداره امور شهر سنندج را عهده دار شد .

امانیروهای ارتجاعی و سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی ، در این مدت به هر شیوه ای دنبال توطئه و جنایت علیه ملت کرد و خلقهای ایران بودند ، تا اینکه روز 28 مردادماه 1358 شخص خمینی خودش به عنوان فرمانده کل قوا فرمان یورش سراسری را به کردستان صادر نمود . که این خود حدیث مفصلی دارد که در مقوله نمی گنجد .

آنچه در اینجلازم به یادآوری است ، تلفات انسانی و جانی جنگ خونین سنندج است که می خواهم به ان اشاره ای بکنم . آقای ابراهیم یونسی که در ان دوران به عنوان استاندار کردستان کار می کرد او هم در کتاب چشم انداز ، در مورد جنگ خونین سنندج مطالبی را بیان کرده است که برخلاف کردوسنی بودنش از مواضع نعل پوشان و عمامه به سرهای اخوندها دفاع می کند . من هرچند به کتابهایی که همه رابه زبان فارسی ترجمه می کند علاقه دارم ، اما از ان موقع که نظریاتش را در کتاب نامبرده خواندم ، اورا همانند مردی ترسو و نالایق یافتم . او در صفحه 79 در ارتباط با تعداد کشته شدگان می گوید : سه ، چهار نفر کشته شدند ... نه ، بیشترش هیا هو بود . من در قسمت پایین نسخه ای را از روزنامه کیهان ص . 6 روز 6 . 1 . 58 که تا ان موقع تعداد شهیدان را 99 نفر ثبت کرده است ، می اورم .

متاسفانه در این باره نتوا نستم به منابعی دست پیدا بکنم که تعداد دقیق تلفات جانی را درج کرده باشد .

اما بر طبق گزارشات بیمارستانها و رهبران کرد و نیز جمعیت کردهای مقیم مرکز و منابع دولتی در سنندج و کرمانشاه تعداد شهیدان جنگ خونین سنندج به بیش از 200 نفر رسیده است و حدود 400 نفر زخمی و معلول شده اند . روزنامه اطلاعات روز 29 . 12 . 1357 اسامی 22 تن از کشته شدگان سنندج را نوشته است و روزنامه کیهان هم در تاریخ 6 . 1 . 1358 ص . 1 بر طبق امار رسمی بیمارستانهای سنندج 99 نفر دیگر را اعلام کرده است . در همین روزنامه ابراهیم یونسی را هم معرفی نموده است که علاقمندان می توانند به ان مراجعه کنند . ه د فم از این نوشته به عنوان خاطرات و یادآوری است که تاریخ مبارزاتمان را فراموش نکنیم . هرچند من در این رشته ماهر و توانا نیستم . اما مطالبی را که به عرض خوانندگان این سطرها رساندم از لابلای کتابهایی که در این زمینه موجود است ، مطالعه کرده و نیز حضورشخصیم در جریان سنندج بوده است . درود به همه شهیدان راه آزادی .

نسخه پایین بریده از روزنامه کیهان سال 1358 می باشد

